فشرده مقاله‌ی:

نقش شخصیت‌ها در تاریخ

تاریخ را شخصیت‌ها می‌سازند و شخصیت‌ها را خودشان!



پروفیسور دکتور لعل زاد

ویانا، ۱۰ سپتمبر ۲۰۲۲

(محفل یادبود از ۲۱مین سالروز شهادت مسعود بزرگ)

عناوین

مرور کوتاهی بر زندگینامه مسعود

- سه دوره مهم زندگی/مبارزات مسعود
- سه ویژگی بزرگ مسعود
- میراث مسعود
- تجلیل از مسعود (مسعود شناسی)
- شعارهای توصیفی و بدیل در مورد مسعود
- اشتباهات بزرگ مسعود (دوره حکومتداری و دوره مقاومت)

تاریخ سازی

- داستان شاه اسماعیل صفوی و شیبانی خان اوزبک
- داستان نادرشاه افشار و پیرمرد اصفهانی
- سخنان مسعود در مورد شخصیت سازی و تاریخ سازی
- تطبیق این داستان‌ها (در شرایط پسامسعود) در کشور

شخصیت سازی

- شخصیت چیست؟
- منشای شخصیت
- دو منبع شخصیت (تغذیه)
- انتخاب گزینه‌ها (تغذیه/شخصیت)

شخصیت سازی (خود-سازی)
سخنان مسعود در مورد خود-سازی (کادرسازی)

شخصیت و برنامه

- شخصیت (کادر) کیست؟
- برنامه (اهداف دور/نزدیک) چیست؟
- شخصیت و برنامه لازم و ملزوم یکدیگر اند
- نقش شخصیت و برنامه در دنیای مذهبی/ایدیولوژیک و علمی/سیاسی

شخصیت و رهبری

- رهبری چیست و رهبر کیست؟
- اقدامات بنیادین رهبران
- تفاوت کادرها و رهبران
- انگیزه و الهام
- دوران صلح و جنگ
- معیار شناخت شخصیت‌ها/رهبران

نقش احمد در شرایط کنونی

- نیازهای عمده شرایط کنونی
- نقش احمد
- تشویش‌ها
- امیدواری‌ها

مرور کوتاهی بر زندگینامه مسعود

سه دوره مهم زندگی/مبارزات مسعود:

دوره اول – مسعود، فرمانده هندوکش:

ترک پولیتخنیک در ۱۳۵۲، قیام بر ضد داود در ۱۳۵۴، نبرد مسلحانه بر ضد تره‌کی در ۱۳۵۸.
گسترش مبارزات مسلحانه بر ضد اشغال شوروی (گذار از «آمر صاحب» به «شیر پنجشیر» و تبدیل شدن به یکی از «بزرگترین فرماندهان جنگ‌های چریکی در جهان»)... ورود به کابل در ۵ ثور ۱۳۷۱ پس از سرنگونی رژیم نجیب...

دوره دوم – مسعود، وزیر دفاع:

تلخ ترین دوران زندگی مسعود، راکت‌باران شهر توسط حکمتیار و ممانعت از ریشه‌گیری یک حکومت غیرپشتونی در کابل،
ناکامی در جلب همکاری سران/رهبران تنظیم‌های جهادی و جلب کمک‌های خارجی و شکایت از بی‌بندوباری‌های مجاهدین...

دوره سوم – مسعود، رهبر مقاومت:

ظهور طالبان پس از ناکامی حکمتیار و ورود آن‌ها به کابل در ۶ میزان ۱۳۷۵، عقب نشینی مسعود به شمال کابل،
ظهور شخصیت جدید مسعود – الگوی پایداری و مقاومت: ترک کشور توسط رهبران و فرماندهان و بی‌هوده خواندن مقاومت!
پاسخ مسعود: «اگر یک نفر هم باقی بمانم، نه تسلیم می‌شوم و نه فرار می‌کنم، بلکه مقاومت می‌کنم».
ایجاد «جبهه متحد ملی» و تبدیل شدن به «یگانه امید و رهبر بی‌بدیل در کشور»،
سفر به اروپا در اپریل ۲۰۰۱ و مطرح شدن در سطح جهان و شهادت در ۹ سپتمبر ۲۰۰۱.

سه ویژگی بزرگ مسعود:

- 🌺 تقوا و پاکدامنی در زندگی شخصی و خصوصی (نه آلودگی و فساد)؛
- 🌺 مقاومت و ایستادگی در مقابل استبداد و اشغال (نه معامله و سازش در مقابل پول و چوکی)؛
- 🌺 استقلال و عدم وابستگی (نه مزدورمنشی و دست نشاندگی).

میراث مسعود:

- 🌺 نه «پکول و دستمال»، بلکه «افکار و اعمال» او است؛
- 🌺 نه «زراندوزی و بلندمنزل سازی»، بلکه «تقوا و صداقت» او است؛
- 🌺 نه «داستان و حکایت»، بلکه «مبارزه و مقاومت» او است؛
- 🌺 نه «شکوه و شکایت»، بلکه «پایداری و استقامت» او است؛
- 🌺 نه «وزارت و معاونیت»، بلکه «اقتدار و حاکمیت» او است...

شاید دهها مورد دیگر را بتوان افزود که قابل پژوهش‌های بیشتر است...

تجلیل از مسعود (مسعود شناسی):

- 🔴 توصیف‌ها، بزرگ‌نمایی‌ها و تقدیس‌گرایی‌ها؛
- 🔴 سوگواری و مرثیه‌خوانی (آنچه در مراسم امام حسین وجود دارد)؛
- 🔴 بررسی برنامه/کارنامه‌ها یا افکار/اندیشه‌های آن‌ها در مورد آزادی، عدالت و جامعه شهروندی (نظام سازی):
  - 🌺 کسب اقتدار سیاسی و ایجاد یک جامعه دموکراتیک (خودگردانی ولایات، پاسخگویی مقامات و برابری شهروندان)!
  - 🌺 نظر مسعود در مورد اسلام، عدالت، دموکراسی، انتخابات و حقوق زنان...





شعارهای توصیفی (منفی/مایوسانه/نومیدانه):

🔴 مسعود دیگری زاده نمی‌شود؛

🔴 مسعود تکرار نمی‌شود؛

🔴 مسعود استثنای تاریخ است؛

🔴 هیچ کسی مسعود نمی‌شود و...

شعارهای بدیل (مثبت/انگیزنده/الهام‌دهنده):

🌺 هر مادر/خواهر ما باید مسعود دیگری بارآورد؛

🌺 هر فرزند ما باید مسعود دیگری شود؛

🌺 مسعود باید الگوی هر فرزند ما باشد؛

🌺 احمد جوان باید «مسعود ثانی» شود و...

مرض افراط و تفریط:

فرشته سازی دوستان و شیطان سازی دشمنان!

قدرت آگهی/تبلیغ/شعار:

«اگر یک دروغ صد بار تکرار گردد، حقیقت پنداشته می‌شود»!

شخصیت سازی یا شخصیت کشی؟

«مسعود ثانی» شدن یعنی پیروی از مسعود و پرورش خصایل و ویژگی‌های مسعود در شخصیت/ذهن خود!

اشتباهات بزرگ مسعود (قابل پژوهش‌های بیشتر است)

🔴 ذکر اوصاف قهرمانان نباید به معنای مبالغه اوصاف، معصوم سازی و مقدس سازی شخصیت آن‌ها باشد؛

🔴 ذکر اشتباهات آن‌ها نیز نباید به معنای پایین آوردن مقام، جایگاه و شهرت آن‌ها باشد؛

🌺 بلکه برای آموختن/پندگرفتن و عدم تکرار آن توسط ما (به ویژه توسط احمد، رهبر جبهه مقاومت ملی) است! زیرا

«هر کسی که کار می‌کند، اشتباه هم می‌کند و شخصیت‌های بزرگ اشتباهات بزرگ می‌کنند»!

اول، دوره حکومت‌داری

🔴 تقابل قومی (به ویژه با هزاره/اوزبک و راندن آن‌ها در کنار حکمتیار):

دو اشتباه مشابه «مسعود و مزاری» (سخنان ۴ سال پیش در سالروز محفل شهید مزاری در لندن):

🔴 به اساس کدام «دید ستراتژیک»، مسعود در کنار سیاف و مزاری در کنار حکمتیار قرار گرفت (جدا از توجیهات دوستان هر دو جانب: «انحصارگرایی و تمامیت‌خواهی»؛ «جنگ‌گرایی و اضافه‌خواهی»)؟

🔴 به اساس کدام «تضمین و اعتماد»، مسعود به قرارگاه طالبان در میدان شهر (۲۲ دلو ۱۳۷۳) و مزاری به قرارگاه طالبان در چهارآسیاب (۲۲ حوت ۱۳۷۳) رفت (جدا از توجیهات «علت رفتن آن‌ها» و نجات معجزه‌آسای یکی و شهادت فجیع دیگری؟

🔴 نبود دورنمای ستراتژیک یا دیدگاه راهبردی (به چالش کشیدن حاکمیت قومی/پشتونی و ادعای حاکمیت):

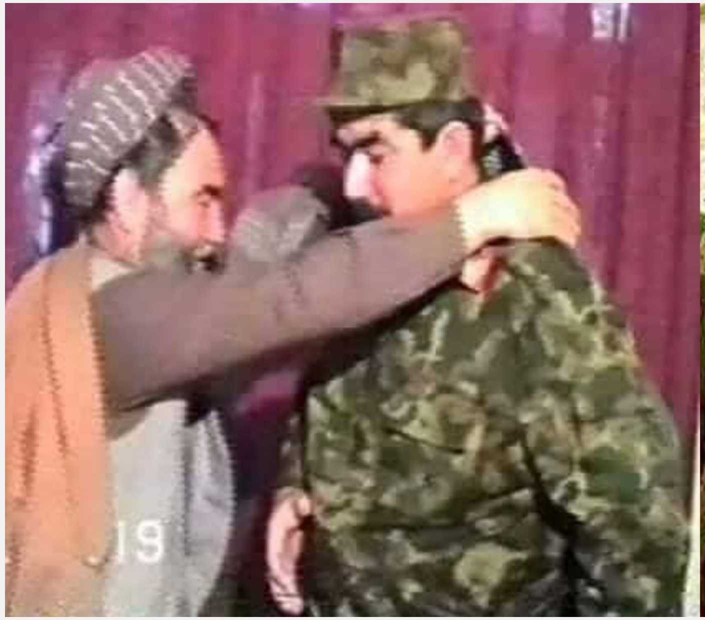
🔴 نیاموختن از تاریخ؛

🔴 نشناختن فاشیزم قبیلوی؛

🔴 نداشتن تجربه حکومتداری؛

🔴 دست‌های آشکار حکمتیار (در بیرون دولت)؛

🔴 دسیسه‌های پنهان سیاف (در درون دولت).





برای یک لحظه تصور کنید:

🌺 اگر مسعود، مزاری و دوستم در آن دوران با هم یکجا/متحد می‌شدند، سرنوشت امروز کشور چگونه می‌بود؟



برنده ای همیشه بازنده !

======================

(او «صبر استراتژیک» دارد و «قربانی» می دهد)

- در انتخابات ۲۰۰۹ برنده بود؛ اما به بهانه جلوگیری از بحران کشور، ارگ را به کرزی تسلیم کرد (ما شاهد گریه های او بودیم)؛
- در انتخابات ۲۰۱۴ برنده بود؛ اما به بهانه جلوگیری از بحران کشور، ارگ را به احمدزی تسلیم کرد (ما شاهد تسلیمی او بودیم)؛
- اگر در انتخابات ۲۰۱۹ برنده شود، به بهانه جلوگیری از بحران کشور (برقراری صلح)، ارگ را به طالبان تسلیم می کند (ما شاهد قربانی او خواهیم بود)!
- او را دیگران پیش کردند (نور، دوستم، خلیلی و...)؛ اما او شهامت نگهداری رای و اعتماد مردم را ندارد (چون صبر استراتژیک دارد و قربانی می دهد)...

یکبار به کرزی و بار دیگر به احمدزی دادم ناخلف باشم اگر این بار به طالب ندهم





دوم، دوره مقاومت:

ارزش ندادن به لابیگری (شخصیت سازی عبدالله):

بالاکشیدن داکتر عبدالله و شخصیت سازی این «مار آستین» (به عنوان نماینده خاص خود در رابطه با دنیای خارج)!

عبدالله:

- تاکید بر ضرورت یک رهبر پشتون در کشور و معرفی کرزی در بن؛
- بازی با سرنوشت مردم (تسلیمی در سه دور انتخابات ریاست جمهوری)؛
- حال هم (در کنار کرزی) نقش آرایشگر رژیم طالبان در کابل را بازی می کند!

عدم تربیه جانشین (رهبران دایم‌العمر):

هر رهبری که در زندگی خود جانشینانی تربیه نکند، سازمان او پس از مرگش فرو می پاشد!

امیدواریم احمد گرامی متوجه این باریکی‌های تاریخی-سیاسی باشد!

تاریخ سازی

(شخصیت یا مردم)

داستان شاه اسماعیل صفوی و شیبانی خان اوزبک (تاریخ فرشته):

در سال ۱۵۱۰ که روابط شاه اسماعیل صفوی با شیبانی خان اوزبک در اثر تعرض اوزبکان تیره شد، نامه‌ی برایش فرستاد که از تعرض دست بردارد و این بیت را در آن درج کرد:

درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد / درخت دشمنی بر کن که رنج بی‌شمار آرد

شیبانی خان در پاسخ نوشت: دعوی سلطنت کسی کند که آبا و اجداد او پادشاه باشد. برایش عصا و کجکولی فرستاد که میراث پدر و نیاکان تو این است. اگر گامی فراتر نهی، سر خود برباد خواهی داد!

شاه اسماعیل در پاسخ نوشت: اگر سلطنت به میراث بود، از پیشدادیان به کیانیان نمی‌رسید و به چنگیزخان و به تو نمی‌رسید و این بیت را درج نمود:

عروس ملک کسی در کنار گیرد چُست / که بوسه بر لب شمشیر آبدار زند

برایت چرخ و دوک فرستادم، آن را بر گیر و پی کاری برو که لایق و شایسته‌ی تو است. ورنه، به جنگ برون آی که سخنان دیگر در رزمگاه گفته خواهد شد.

شاه اسماعیل متعاقب نامه روان شد، حکام اوزبک را از ممالک خراسان دور کرد و شیبک خان را با مردمش هلاک ساخت!

داستان نادرشاه افشار و پیرمرد اصفهانی:

گویند: نادرشاه افشار در یکی از جنگ‌ها پیرمردی را می‌بیند که با موی سپید مانند شیر می‌جنگد و شمشیر می‌زند!

نادرشاه پس از جنگ، پیرمرد را به چادر خود فرا می‌خواند. پیرمرد می‌آید و ادای احترام می‌کند. نادر از او می‌پرسد:

اهل کجا هستی که چنین شمشیر می‌زنی؟ پیرمرد می‌گوید: اهل اصفهان هستم!

نادر از او می‌پرسد: زمانی که اصفهان توسط محمود افغان اشغال شد، تو کجا بودی؟ در اصفهان نبودی؟

پیرمرد می‌گوید: «من بودم، اما تو نبودی»!

🔴 کمتر موردی در تاریخ بشر می‌توان یافت که مردمی برخاسته و جامعه را عوض کرده باشند؛

🌺 مگر آنکه شخصیت‌های برخاسته‌اند، مردم را به دنبال خود کشانده‌اند و جامعه را عوض کرده‌اند!

بنا براین،

🔴 نباید منتظر بود که مردم برخیزند و جامعه را عوض کنند؛

🌺 بلکه باید شخصیت‌های برخیزند و مردم را به دنبال خود بکشانند تا جامعه را عوض کنند!

من اگر برخیزم،

تو اگر برخیزی،

همه برمی‌خیزند!

من اگر بنشینم،

تو اگر بنشینی،

چه کسی برخیزد؟

تاریخ بشر در همه عرصه‌ها، میدان عملکرد شخصیت‌ها است!

با آنکه مردم همیشه وجود دارد، اما شخصیت‌های تاریخ ساز نادر و کمیاب اند...

سخنان مسعود در مورد تاریخ سازی و خود سازی:



باور به "تیوری توطیه" (هرچه قدرت‌های بزرگ بخواهد، همان می‌شود) و درک نادرست از "قسمت/تقدیر" (هرچه خدا بخواهد، همان می‌شود) دو مرض ساری دیگر جامعه ماست...

در حالیکه ما باید به پای خود ایستاده شویم (خود را مستحق/سزاوار پاداش سازیم):

زیرا، طبیعت و پروردگار به مستحق و سزاوار پاداش می‌دهد، نه به محتاج و نیازمند!

مستحق/سزاوار کسانی اند که کار و تلاش می‌کنند (لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى) و نیازمند/محتاج کسانی اند که گدایی می‌کنند!

بیرون ز تو نیست، هر چه در عالم هست / در خود بطلب، هر آنچه خواهی که تویی

تطبیق این داستان‌ها (در شرایط پسامسعود: دیگ بی‌سرپوش) در کشور!

وضعیت/ماهیت بزرگان ما در ۲۰ سال گذشته (اقلیت خاین و اکثریت نادان):

🔴 در بن اقتدار سیاسی را با قدرت/ماموریت سیاسی تعویض کردند؛

🔴 در قانون اساسی یک نظام ریاستی/شاهی را تصویب کردند (با حذف هویت/زبان، پرچم و سایر نمادها)؛

🔴 در ۳ دور انتخابات به دنبال عبدالله رفتند و برای وزارت و معاونیت کرزی/احمدزی به رقابت با یکدیگر پرداختند؛

🔴 حدود ۱۰۰ هزار سرباز و بهترین فرماندهان ما جان‌های خود را ظاهرا در مبارزه با طالب («برادران ناراضی کرزی») و در واقعیت برای تداوم حاکمیت فاشیستی «کرزی/احمدزی»، فدا کردند (در حالیکه تقویت/گسترش طالبان توسط آن‌ها را می‌دیدند)!

🔴 حتی فرماندهان و بزرگانی که در زمان مسعود مثل ستاره می‌درخشیدند، تقویت و گسترش طالبان، سخنان علنی کرزی/احمدزی در مورد طلبان و هشدارهای دانشمندان و روشنگران را نادیده گرفتند و به «شرکای دسترخوان کرزی/احمدزی» تبدیل شدند...



اگر یکی از این بزرگان ویژگی‌های مسعود یا حداقل خصایل رهبری را می‌داشت، حوزه/کشور ما به چنین روزگاری مواجه نمی‌شد!

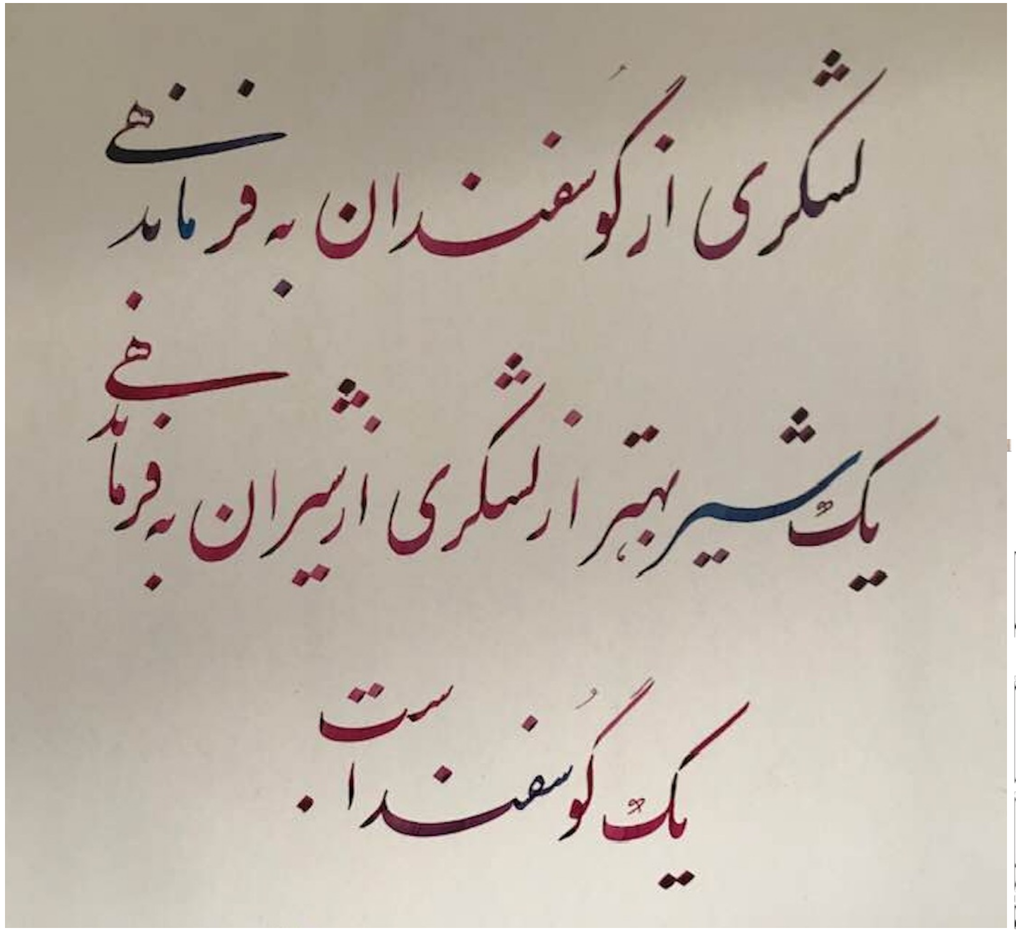


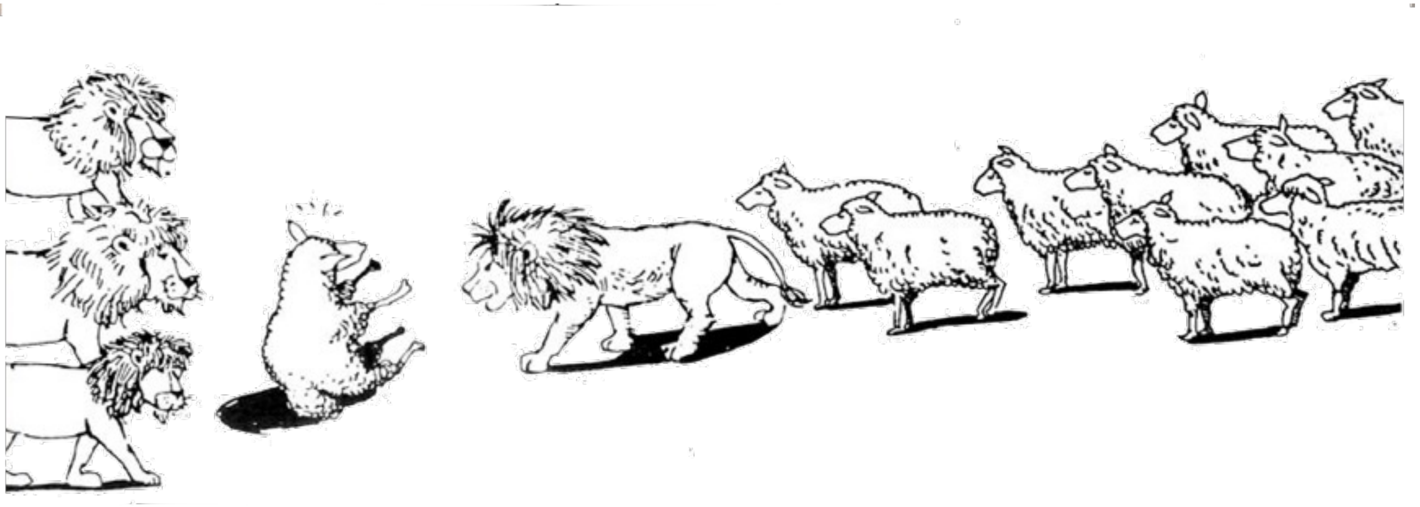
چرا چنین شد؟

چون مسعود/رهبر دیگری در میدان نبود و دیگ بی سرپوش شد!

هر زمانی دیگ بی‌سرپوش شد
پایمال گربه‌ها و موش شد

دیگ بی‌سرپوش، بین خار و خس
می‌شود آماج زنبور و مگس





شخصیت سازی

(شخصیت‌ها را خودشان می‌سازند)

شخصیت (ویژگی‌های برجسته) چیست:

🌺 **شخصیت ظاهری (Personality):**

آن ویژگی‌های بیرونی/جسمانی افراد (مانند جنسیت، اندام، رنگ چشم/جلد/مو، حرکات، رفتار، گفتار وغیره) که در ظاهر/چهره آن‌ها و در مسایل روزانه دیده می‌شود (ویژگی‌های جاذبوی/کاریزماتیک (Charisma) که باعث جذب دیگران می‌شود نیز از این جمله است). شخصیت ظاهری بیشتر منشای ژنتیک (والدین/اجداد) دارد و در کنترول ما نیست (حال، تغییر ژن نیز ممکن شده است)!

🌺 **شخصیت باطنی (Character):**

آن ویژگی‌های درونی/فکری افراد (مانند باور/روحیه، استعداد/توانایی، صداقت/خیانت وغیره) که نه در ظاهر آن‌ها، بلکه در باطن/ذهن آن‌ها و در شرایط ویژه مشاهده می‌شود، شخصیت واقعی افراد را می‌سازد، بیشتر منشای محیطی (شرایط خانوادگی/اجتماعی) دارد و کاملا در کنترول ماست!

منشای شخصیت (ویژگی‌های برجسته):

🌺 **ژنتیک**: آن ویژگی‌های که (با تشکیل نطفه) از والدین به ارث می‌بریم (ویژگی‌های فزیکی/بهداشتی، استعداد/توانایی‌ها در ژن/نورون‌ها)؛

🌺 **محیط**: آن ویژگی‌های که (با تغذیه مادی: خوردن/نوشیدن و تغذیه ذهنی: آموزش/پرورش) از خانواده/اجتماع کسب می‌کنیم؛

🌺 **ترکیب هر دو**: تاثیر متقابل ژنتیک (استعداد/توانایی‌ها) و محیط (تغذیه مادی/ذهنی) که لازم و ملزوم یکدیگر اند:

اگر بیضه زاغ ظلمت سرشت / نهی زیر طاوس باغ بهشت
شود عاقبت، بیضه زاغ زاغ / برد رنج بیهوده، طاوس باغ

دو منبع شخصیت (تغذیه):

🔴 تغذیه مادی (معده): منبع شخصیت ظاهری (گوشت/چربو):

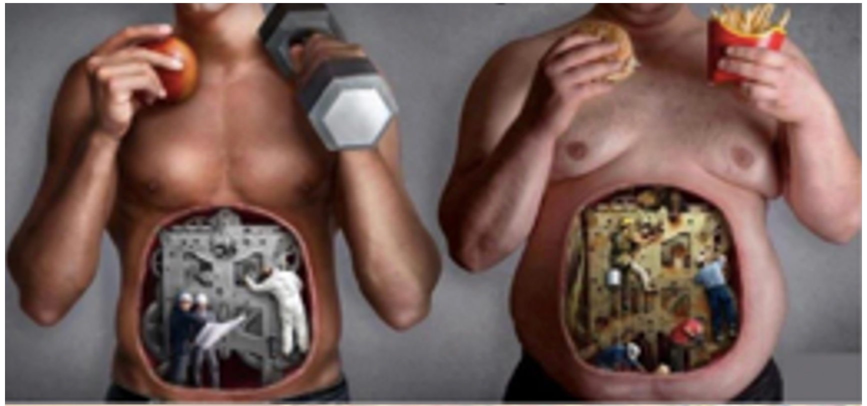
جذب/دفع «خودکار» (معده/روده‌ها)!

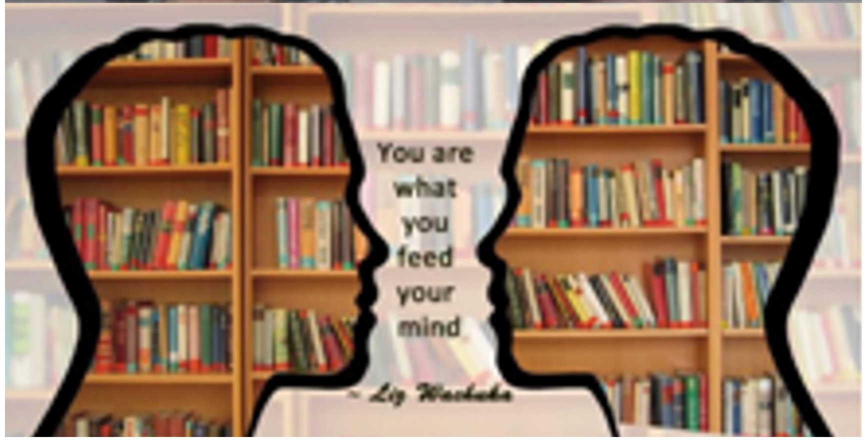
🔴 تغذیه ذهنی (مغز): منبع شخصیت واقعی (باور/روحیه): استعداد/مهارت‌ها،

انبار: ثبت/ذخیره «خودکار» (ضمیر ناخودآگاه): مرکز فرماندهی!

فلتر: پردازش/پالایش «غیرخودکار» (ضمیر خودآگاه): مرکز تصفیه!

هر دو منبع/مخزن هر لحظه در معرض آفات، امراض و حوادث گوناگون قرار دارد!





تفاوت آزادی و اسارت در «انتخاب» راه است!

انتخاب گزینه‌ها (تغذیه/شخصیت):

🌺 مزرعه ..... یا ..... باغچه/گلخانه (دانش/خرد)؛

🌺 انبار .... یا ..... زباله/آشغالدانی (جهل/خرافات)!

شخصیت ما محصول «انتخاب» گزینه‌های روزانه ما در زندگی است!

فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ!

شخصیت سازی (خود سازی):

افکار/اعمال از نظام «روحیه/باورها» منشا می‌گیرد که در درازنای زندگی در «ضمیر ناخودآگاه» (از طریق آموزش/پرورش، تغییر ذهن یا ذهنیت سازی در خانواده/اجتماع) ساخته/پرورده می‌شود (مانند کاشتن/پروردن یک دانه در خاک) و می‌تواند توسط «ضمیر خودآگاه» فلتر/تصفیه شود (مانند تراش‌کاری یک مجسمه از سنگ):

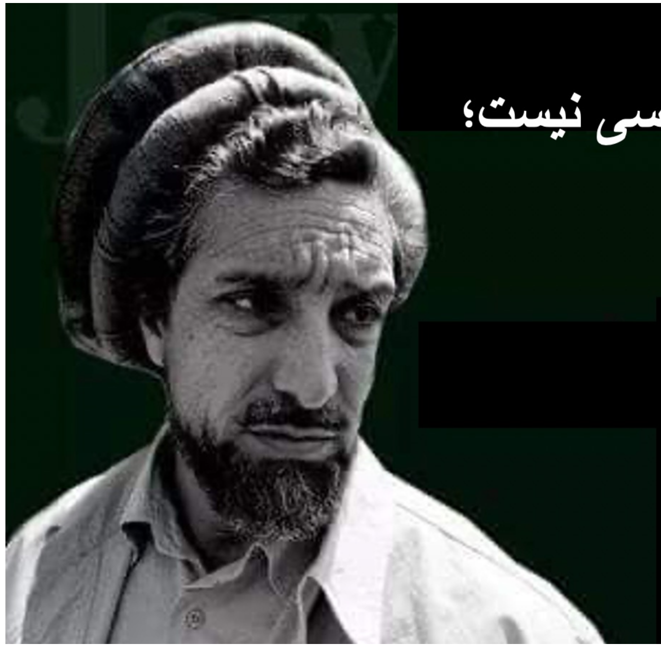
- «بگو رفیقت کیست، تا بگویم کیستی» (اثرپذیری)!
- «با ما نشینی ما شوی / با دیگ نشینی سیاه شوی»!



تغییر شخصیت از تغییر ذهنیت و تغییر ذهنیت از پذیرش مسئولیت آغاز می‌شود (نه ملامت سازی دیگران یا قسمت/تقدیر)!

إِنَّ اللهَ لاَ يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُواْ مَا بِأَنْفُسِهِمْ!

سخنان مسعود در مورد شخصیت سازی (خود سازی):



حاکمیت و قدرت میراث پدر هیچ کسی نیست؛

اگر شایسته اش هستی،

کمرت را ببند

و آن را به دست آر!



در کف مردانگی شمشیر می‌باید گرفت / حق خود را از دهان شیر می‌باید گرفت

برو قوی شو، اگر خواهی زنده مانی / که در نظام طبیعت، ضعیف پامال است

شخصیت و برنامه

شخصیت (کادر) کیست:

افرادی دارای دانش و تجربه لازم در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی وغیره که در یکی از این عرصه‌ها کار و فعالیت می‌کنند.

برنامه (اهداف دور/نزدیک) چیست:

فهرست اقدامات مشخص زمانی برای اجرای یک کار یا رسیدن به یک هدف (کوتاه‌مدت یا درازمدت) است (اگر هر برنامه‌ی عملی نشود، «جملات زیبا بر روی کاغذ» می‌ماند).

شخصیت و برنامه لازم و ملزوم یکدیگر اند:

- برنامه‌ها را شخصیت‌ها می‌سازند و عملی می‌کنند!
- شخصیت بی‌برنامه به بی‌راهه می‌رود و برنامه بی‌شخصیت ناجرا می‌ماند!
- شخصیت‌ها می‌آیند و می‌روند، اما برنامه‌ها باقی می‌مانند و باید ادامه یابند!

نقش شخصیت و برنامه در دنیای متفاوت:

🔴 دنیای مذهبی/ایدیولوژیک:

شخصیت/رهبرها همه‌کاره اند و برنامه ارزش زیادی ندارد: پیروان یا مریدان آن‌ها معمولا پیران/رهبران خود را «اشتباه ناپذیر» و گفتار آن‌ها را وحی منزل می‌دانند و از هر گفتار/کردار آن‌ها «مقلدانه پیروی» می‌کنند!

🌺 دنیای علمی/سیاسی:

شخصیت و برنامه هر دو مهم اند: طرفداران یا پشتیبانان آن‌ها معمولا شخصیت/رهبرهای خود را «اشتباه پذیر» می‌دانند و هر گفتار/کردار آن‌ها را «آگاهانه ارزیابی» می‌کنند که سازگار با اصول علمی و برنامه‌های‌شان باشد (و از هیچ شخصیتی بُت نمی سازند)!

شخصیت و رهبری

رهبری چیست و رهبر کیست؟

- هر شخصیتی که به کار در میان مردم و بسیج آن‌ها بپردازد، رسالت رهبرانه/پیامبرانه بر دوش می‌گیرد.

- رهبران معمولا از بین مردم بر می‌خیزند و در قید افکار/آرای مردم اند، اما آن‌ها را در جهت روشنگری، اعتمادسازی و طرفدار سازی، بسیج و متشکل می‌سازند تا در جهت اهداف خود سوق دهند (شخصیتی که نتواند مردم را به دنبال خود بکشاند، رهبر نیست)!

- رهبران وظیفه رانندگی/گردانندگی جامعه/نظام/نهادها را بر عهده دارند و نقش اساسی و تعیین کننده در رسیدن به اهداف یا تحقق برنامه‌ها دارند (رابطه بین رهبر و مردم مانند رابطه بین ماهی و آب است):

بیشترین مهارت رهبران: تاثیرگذاری و الهام بخشیدن به پیروان/مردم است!

اما، شخصیت/رهبرها در «جریان زمان و میدان عمل»، تغییر (مثبت یا منفی) می‌کنند:

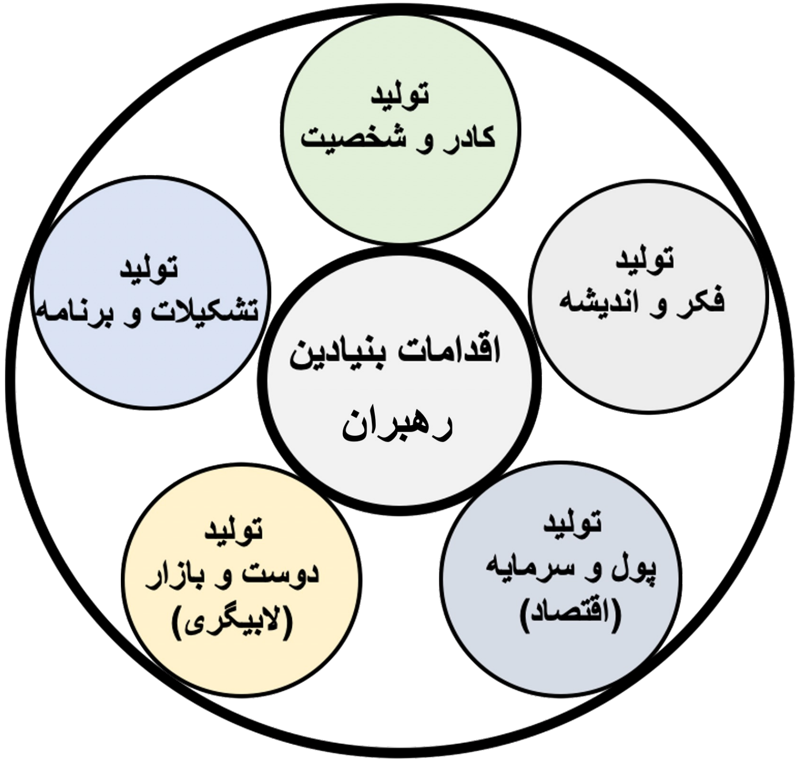
- ترسو/محافظه کار (معامله‌گر و نوکر زور/زر)،

- عوامگرا/مردمفریب (لافوک/خودخواه/شهرت‌طلب)،

- انقلابی/صادق (متعهد و وفادار به منافع مردم)!

اقدامات بنیادین رهبران:

- 🔴 تولید کادر/شخصیت (کادر/شخصیت سازی)؛
- 🔴 تولید تشکیلات/برنامه (تشکیلات/برنامه سازی)؛
- 🔴 تولید فکر/اندیشه (فکر/اندیشه سازی)؛
- 🔴 تولید پول/سرمایه (پول/سرمایه سازی)؛
- 🔴 تولید دوست/بازار (لابیگری: دوست/بازاریابی).



🌺 قوت هر سازمان (تشکیلات) در کادرهای آن و قوت هر کادر در تشکیلات آن (سازمان‌دهی توسط رهبر/رهبران) نهفته است!

🌺 فکر و اندیشه بنیاد معنوی سازمان،

🌺 پول و سرمایه بنیاد مادی سازمان و

🌺 دوست و بازار (لابیگری) بنیاد رشد/توسعه سازمان‌ها را تامین/تضمین می‌کند!

با این شاخص‌ها می‌توان در مورد نقش، قوت و صداقت هر رهبر و سازمان قضاوت کرد!

این جمله‌ی الهام‌بخش چرچیل در مورد نقش «حاکمان/رهبران» را باید با آب طلا نوشت:

اقتصاد ضعیف و فقر، فقط دو دلیل دارد:

یا حاکمان احمق اند و یا احمق‌ها حاکم اند (خشکسالی و جنگ بهانه است)!

کادرها و رهبران لازم و ملزوم یکدیگر اند، اما تفاوت ماهوی دارند:

- 🔴 کادرها «انگیزه‌دهنده» و رهبران «الهام‌بخش» اند؛
- 🔴 کادرها نقش «حواس» و رهبران نقش «سر» در بدن را دارند؛
- 🔴 کادرها ("کارمندان" را با "اختیارات/صلاحیت") اداره/مدیریت می‌کنند؛
- 🔴 رهبران ("پیروان" را با "اثربخشی/الهام") رهبری/هدایت می‌کنند؛
- 🔴 کادرها در سیستم کار می‌کنند و رهبران روی سیستم (سیستم می‌سازند)؛
- 🔴 کادرها امور/افراد را تنظیم/اداره می‌کنند و رهبران راه/مسیر را تعیین/نشان می‌دهند؛
- 🔴 کارآیی کادرها در بالارفتن از نردبان موفقیت است، اما رهبران تعیین می‌کنند که نردبان‌ها به دیوار درستی تکیه دارند یا نه!

تعریف جدید «رهبر»:

🌺 «رهبر واقعی» کسی است که در زندگی خود رهبران بیشتر تربیه می‌کند!

🌺 هر رهبر/فرمانده که جانشینانی تربیه نکند، سازمان/جبهه او پس از مرگش فرو می‌پاشد!

انگیزه:

نیروی بیرونی (پاداش مادی/معنوی) که ما را برای اجرای کاری یا رسیدن به هدفی "تیله" می‌کند (سرد/خاموش می‌شود)!

الهام:

نیروی درونی (خود-آگاهی) که ما را برای اجرای کاری یا رسیدن به هدفی "کش" می‌کند (پاداش نمی‌خواهد و سرد/خاموش نمی‌شود)!

خود-آگاهی ←...... خود-باوری ←...... خود-گردانی ←...... خود-کفایی

- اگر خواهان اقدامات فوری افراد هستید، به آن‌ها انگیزه دهید!
- اگر می‌خواهید آن‌ها را توانا (خود-آگاه) سازید، الهام بدهید!

بلندهمتی (Ambition): باور/روحیه عالی یا داشتن اهداف بزرگ که انگیزه را به پیش می‌راند و الهام را تحقق می‌بخشد!

«جوهر مردی» چو باشد، حاجت شمشیر نیست / در کمر نامرد را، خنجر نمی آید به کار

دوران صلح و جنگ:

🌺 ارتش زمان صلح می‌تواند با «مدیریت» به بقای خود ادامه دهد؛

🌺 اما ارتش زمان جنگ در تمام سطوح نیازمند «رهبران لایق و شایسته» است؛

🌺 در جنگ، سربازان از جلو رهبری می‌شوند، نه اینکه از پشت سر تیله شوند!

جنگیدن را همه بلد اند؛

اما خوب جنگیدن حاصل تصمیم درست فرماندهان/رهبران لایق و شایسته است!

معیار شناخت شخصیت‌ها/رهبران (شناخت ظاهری/واقعی):

ماهیت شخصیت‌ها و رهبران زمانی به خوبی آشکار می‌شود که آن‌ها در عین موقعیت، حوادث یا شرایط (به ویژه دشوار) قرار گیرند. آن‌گاه دیده می‌شود که هر یک واکنش‌های کاملا متفاوت و حتی غیرمنتظره از خود نشان می‌دهند. به همین علت گفته می‌شود:

🔴 هیچ کس را نباید بر بنیاد شخصیت ظاهری‌اش قضاوت کرد!

🔴 شخصیت‌های واقعی در شرایط سخت و روزهای دشوار شناخته می‌شوند!



امیری: وقتی دیگران راه گریز می‌پالیدند، من در جستجوی سنگر مقاومت بودم!

نقش احمد در شرایط کنونی

نیازهای عمده‌ی شرایط کنونی:

شخصیت‌ها، فرماندهان و رهبرانی به پا خیزند و رسالت پیش‌آهنگی مبارزه/مقاومت بر ضد طالبان را با ایجاد پایگاه‌ها، تحکیم و گسترش آن‌ها در سراسر کشور بر دوش گیرند (خوشبختانه، احمد راه پدر را در پیش گرفته و پرچم «جبهه مقاومت ملی» را یکجا با سنگرداران خود در کوه های هندوکش برافراشته اند و با روحیه عالی و باور کامل به پیروزی در حال توسعه و گسترش در سراسر کشور اند)!

نقش احمد:

🌺 دانش سیاسی لازم و شخصیت کاریزماتیک دارد! 🌺 از محبوبیت در بین مردم برخوردار است! 🌺 جامعه جهانی او را می‌شناسد!

🌺 در گفتگوی اخیر خود با بی‌بی‌سی خوب درخشید (در برنامه خود نیز ساختار پارلمانی غیرمتمرکز و برابری/عدالتخواهی برای همه اقوام در سراسر کشور را در یک جمهوری اسلامی ترسیم کرد که پیام روشنی به تمرکزگرایان/فدرال‌خواهان/قوم‌گرایان/تجزیه‌طلبان و سایرین بود):

(اما لاف نزد، دشمن سازی نکرد و دروازه‌های مبارزه و مقاومت را بر روی همگان باز گذشت)!

🔴 با وجود داشتن ویژگی‌های شخصی/پدری، راه دور/درازی در پیش دارد تا در «جریان زمان و میدان عمل» ثابت سازد که «مسعود ثانی» است (بسیار سفر باید، تا پخته شود خامی):

در ره منزل لیلی که خطرهاست در آن / شرط اول قدم آن است که مجنون باشی

تاج شاهی طلبی، گوهر ذاتی بنمای / ور خود از تخمه جمشید و فریدون باشی

تشویش‌ها:

وجود شماری از شخصیت‌های فراری مزدور/معامله‌گر («شرکای کرزی/احمدزی») در کنار احمد (که در «نبود یک اتاق فکر قوی»، ممکن است مُهره‌ی دست آن‌ها شود)...

راه جبران نسبی گناهان شخصیت‌های فراری:

- اعتراف به اشتباهات و پوزش‌خواهی از مردم؛
- پرهیز از ادعاهای بلندبالای رهبری و لاف/گزاف‌های دیروزی؛
- دادن مشوره‌های لازم به احمد و کمک‌های مادی/معنوی به جبهه مقاومت ملی!

امیدواری‌ها:

احمد چهره واقعی آن‌ها را می‌شناسد و راه خود را از میان این «جنگل انبوه» باز می‌کند!

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا!



مشکل است، اما از این بن‌بست باید بگذریم؛

از میان دیوهای مست باید بگذریم!

در جاده هموار دویدن، هنرش چیست / مردانه دویدن، هنرش در خم و پیچ است!

🌺 برای شخصیت‌های بزرگ بن‌بستی وجود ندارد؛

🌺 زیرا آن‌ها (چنان باور/روحیه دارند که) راهی می‌یابند و یا راهی می‌سازند!

🌺 شخصیت‌های بزرگ نه تنها از سختی‌ها، چالش‌ها، خطرها و بحران‌ها نمی‌ترسند و شکایت نمی‌کنند،

🌺 بلکه آن‌ها را بخش جداناپذیر و شرایط حتمی مبارزه و پیروزی می‌دانند؛

🌺 به استقبال آن‌ها می‌روند و آن‌ها را مهار می‌کنند و یا به فرصت‌ها تبدیل می‌نمایند!

رهبران واقعی مردمزاد اند، نه مادرزاد! آن‌ها کسانی اند که با باور/روحیه عالی پیشگام کارزار/مبارزات مردم می‌شوند و در جریان زمان و میدان عمل نشان می‌دهند که شایسته رهبری، حمایت و پشتیبانی مردم اند!

هیچ کس از پیش خود چیزی نشد
هیچ آهن خنجر تیزی نشد

هیچ کس استاد قنادی نگشت
تا که شاگرد شکرریزی نشد

هیچ مولانا نشد مولای روم
تا مرید شمس تبریزی نشد



فقط با عبور از شرایط سخت و روزهای دشوار است که رهبران واقعی پالایش می‌یابند، آبدیده می‌شوند و جاودانه می‌گردند (آنگونه که فشار و حرارت بالا، آهن را به فولاد و کاربن را به الماس تبدیل می‌کند)!


مردم و جامعه جهانی
کسانی را تحویل می‌گیرند
که در میدان عمل،
توانایی ایجاد و مهار
فرصت‌ها و چالش‌ها یا
سود/زیان‌ها را داشته باشند!

با وجود همه تشویش/دشواری‌ها:

🌺 احمد در شرایط کنونی، یگانه امید مردم ما و حتی کشورهای منطقه و جهان است!

🌺 عمرش دراز، راهش روشن و تلاش‌هایش پُربار بادا...



احمد چه می‌خواهد؟

🌺 آزادی افغانستان (از تجاوز)؛

🌺 عدالت در افغانستان (برابری همه اقوام)؛

🌺 اسلام معتدل (دین مردم افغانستان)؛

🌺 جامعه شهروندی؛

🌺 جغرافیای افغانستان!